دریچه

فیلم اصغر فرهادی در فهرست ۱۰ فیلمی که باید دید

● **ایسنا:** جشنواره فیلم کن پس از یک سال وقفه به دلیل همه‌گیری ویروس کرونا از ششم جولای (۱۵ تیر) هفتادوچهارمین دوره خود را با نمایش فهرستی از آثار کارگردانان سرشناس سینما به‌ویژه در بخش رقابتی کلید خواهد زد.

«دیوید رونی»، منتقد ارشد هالیوودریپورتر، به معرفی ۱۰ فیلم برجسته و مهم در بخش رقابتی اصلی کن ۲۰۲۱ پرداخته که فیلم «قهرمان» جدیدترین ساخته فرهادی یکی از این فیلم‌هاست که در توضیح آن آمده است: کارگردان برنده اسکار فیلم‌هایی همچون «جدایی»، «فروشنده» و «گذشته»، در سال ۲۰۱۹ با ساخت فیلم اسپانیایی‌زبان «همه می‌دانند» نتوانست بازخورد مثبتی هم‌تراز با دیگر آثارش کسب کند. جزئیات زیادی از داستان «قهرمان» ساخته جدید و فارسی‌زبان فرهادی فاش نشده است؛ اگرچه به نظر می‌رسد بار دیگر با یک روایت پرتعلیق و درام ایرانی و پیچیده از تنازعات خانوادگی و داخلی سروکار داریم.

فیلم «قهرمان» با مدت زمان دو ساعت و هفت دقیقه، درباره شخصیتی به نام رحیم است که به دلیل ناتوانی در پرداخت بدهی‌اش در زندان به سر می‌برد و در دو روز مرخصی در تلاش است شاکی خود را با پرداخت بخشی از بدهی متقاعد به پس‌گرفتن شکایت خود کند، اما اتفاقات آن‌گونه که برنامه‌ریزی شده پیش نمی‌روند.

استودیو آمازون حق پخش فیلم «قهرمان» را در آمریکا در اختیار دارد و کمپانی فرانسوی ممنتو پیکچرز، تهیه‌کنندگی و فروش بین‌المللی فیلم «قهرمان» را بر عهده دارد و این فیلم را در فرانسه نیز اکران خواهد کرد.

در این فیلم امیر جدیدی، محسن تنابنده، رعنا آزادی‌ور، فرشته صدرعرفایی، سارینا فرهادی و جمعی دیگر از بازیگران که اغلب آنان چهره‌های جدیدی هستند، مقابل دوربین فرهادی رفته‌اند و هایده صفی‌یاری نیز تدوین فیلم را بر عهده دارد.

«آنت» به کارگردانی «لئو کارکس» و با بازی «آدام درایور» و «ماریون کوتیار»، «بندتا» از «پل ورهوفن»، «جزیره برگمن» به کارگردانی «میا هنسن-لاو»، «محفظه شماره ۹» ساخته «یوهو کاسمانن» کارگردان فنلاندی، «همه چیز خوب پیش رفت» جدیدترین ساخته «فرانسوا اوزون» فیلم‌ساز فرانسوی، «مموریا» به کارگردانی «آپیچاتپونگ ویراستاکول» سینماگر تایلندی برنده نخل طلا، «گزارش فرانسوی» جدترین فیلم از کارگردان آمریکایی «وس اندرسون» با نقش‌آفرینی «بنیسیو دل‌تورو»، «تیلدا سوئینتون»، «فرانسس مک‌دورمند»، «بیل موری» و «آدرین برادی»، فیلم استرالیایی «نیترام» به کارگردانی «جاستین کرزل» و «موشک سرخ» از «شین بیکر» دیگر فیلم‌های منتخب هالیوود ریپورتر در میان آثار بخش رقابتی جشنواره کن هستند.

از سوی دیگر، جشنواره فیلم «کن» برنامه کامل نمایش فیلم‌های حاضر در بخش‌های گوناگون هفتادوچهارمین دوره این رویداد سینمایی را منتشر کرد.

بر این اساس، فیلم «قهرمان» به کارگردانی اصغر فرهادی که نماینده سینمای ایران در بخش رقابتی اصلی کن ۲۰۲۱ است، اولین نمایش جهانی خود را ساعت ۱۵:۳۰ روز ۱۳ جولای (۲۲ تیر) در سالن اصلی «گرند لومیر» کاخ جشنواره تجربه خواهد کرد و روز پس از آن ۱۴ جولای (۲۳ تیر) ساعت ۹:۳۰ در سالن IMAX مجموعه بزرگ سینمایی تازه‌تأسیس CINE-UM به نمایش گذاشته می‌شود.

«قهرمان» که در مجموع پنج نمایش در کن خواهد داشت، در ادامه در همان روز (۱۴ جولای، ۲۳ تیر) ساعت ۱۱:۳۰ بار دیگر در سالن اصلی «گرند لومیر» کاخ جشنواره، ۱۵ جولای (۲۴ تیر) ساعت ۱۲:۳۰ در سالن Screen X مجموعه سینمایی جدید CINEUM و در نهایت ۱۶ جولای (۲۵ تیر) ساعت ۸:۳۰ در سالن «SALLE DU SOIXANTIÈME» جشنواره کن نمایش خواهد داشت.

فیلم کوتاه «ارتودنسی» به کارگردانی محمدرضا میقانی نیز که برای کسب جایزه نخل طلای بهترین فیلم کوتاه این رویداد سینمایی رقابت خواهد کرد، روز ۱۶ جولای (۲۵ تیر) ساعت ۱۱ همراه با ۹ فیلم دیگر این بخش در سالن دِبوسی کاخ جشنواره روی پرده خواهد رفت.

فیلم «جاده خاکی» به کارگردانی پناه پناهی نیز که در بخش دو هفته کارگردانان کن حضور دارد، روز ۱۰ جولای (۱۹ تیر) دو نمایش در ساعت ۸:۳۰ و ۲۰:۳۰ و روز ۱۶ جولای (۲۵ تیر) ساعت ۱۹:۴۵ هم نمایش سوم و نهایی خود را به‌عنوان یکی از فیلم‌های نامزد جایزه دوربین طلای کن (جایزه ویژه بهترین فیلم اول جشنواره) تجربه خواهد کرد.

تمامی نمایش‌های بخش «دو هفته کارگردانان کن» در سینمای «THÉÂTRE CROISETTE» کن انجام می‌شود. هفتادوچهارمین دوره جشنواره کن نیز از ششم تا ۱۷ جولای (۱۵ تا ۲۶ تیر) برگزار می‌شود و امسال «اسپایک لی»، کارگردان آمریکایی، ریاست هیئت داوران بخش رقابتی اصلی آن را بر عهده دارد.

گفت‌وگو با لیلا ارجمند درباره فیلم «آرامش در حضور دیگران» به کارگردانی ناصر تقوایی

تمرین منزوی شدن

بهناز شیربانی: بار دیگر صحبت از ناصر تقوایی است. کارگردانی که سال‌هاست دست از نوشتن و ساختن برداشته است اما بیش از هر آرتیست دیگری به بهانه‌های مختلف حرفش به میان می‌آید. اینکه چه گنجینه‌های گرانبها و پرافتخاری به سینما و تلویزیون افزود و دریغ که کارنامه پربارش به انگشت‌شمار فیلم‌های ساخته‌شده خلاصه شده است. اینکه او همچنان در میان ماست و نفس می‌کشد اما حسرت ساخت آثار نیمه‌تمامش تا همیشه با علاقه‌مندان سینما خواهد ماند. چند روزی به زادروزش باقی مانده است. اما مگر صحبت درباره او بهانه می‌خواهد؟ «آرامش در حضور دیگران» نخستین ساخته ناصر تقوایی یکی از فیلم‌های مهم و تأمل‌برانگیز سینمای ماست که تا به امروز درباره‌اش زیاد صحبت شده و تحسین بسیاری را به همراه داشته است. این‌بار با لیلا ارجمند منتقد درباره این فیلم تأثیرگذار هم‌صحبت شدیم و درباره زوایای دیگری از هنرمندی کارگرانش هم‌کلام شدیم که شما را به خواندن آن دعوت می‌کنیم.

«آرامش در حضور دیگران» در جریان موسوم به موج نو سینمای ایران یکی از فیلم‌هایی بود که بر مبنای ادبیات داستانی اقتباس شد. با این تفاوت که اساسا منبع اقتباس برای این فیلم سینمایی در سینمای آن زمان متعارف به نظر نمی‌آید و تصویر قصه‌ای که همواره بین مرز تخیل و واقعیت در نوسان است، چندان کار ساده‌ای به نظر نمی‌رسد. کمی درباره مهارت تقوایی در فهم ادبیات و اقتباس صحبت کنیم؛ به‌ویژه اینکه «آرامش در حضور دیگران» تنها هنر او در اقتباس از ادبیات داستانی نیست.

اینکه آقای تقوایی برای نخستین فیلم داستانی‌اش به سراغ ادبیات داستانی می‌رود، قطعا نکته تأمل‌برانگیزی است و از جهاتی بسیار قابل تقدیر. باید توجه کرد که ناصر تقوایی در دوره‌ای به سراغ این موضوع رفت که به‌وضوح ما با کمبود موضوع و ایده روبه‌رو بودیم و نیاز به کار و ایده‌ای جدید احساس می‌شد. به‌خصوص در حوزه سینما که خوب می‌دانید چه شرایط عجیبی داشت. در چنین شرایطی ساخت فیلمی چون «آرامش در حضور دیگران» جسارت، شجاعت و توانایی زیادی می‌طلبید. اما در ادامه می‌بینیم بعد از ساخت نخستین فیلم بلند داستانی، به سراغ اقتباس‌های دیگری رفت. «ناخدا خورشید» و «دایی‌جان ناپلئون» دو نمونه درخشان دیگر از کارنامه ناصر تقوایی است.

«ناخدا خورشید» یکی از موفق‌ترین اقتباس‌های آثار ادبی در ایران و «دایی‌جان ناپلئون» اثری کم‌نظیر و تحسین‌برانگیز است. اما اگر بار دیگر به موضوع اقتباس در فیلم «آرامش در حضور دیگران» برگردیم، باید بگویم دشواری اقتباس در این اثر بیشتر احساس می‌شود. ناصر تقوایی به سراغ اثری از ساعدی رفت که فضای بسیار خاص و متفاوتی دارد. او به سراغ اثری رفت که رئالیستی‌بودنش یک وجه کار است و تصویرکردن فضای تلخ، سرد و بی‌روحی که در قصه موج می‌زند، مهارت بسیاری می‌خواهد. نگارش قصه‌ای این‌چنینی بدون شک توانایی زیادی لازم دارد و به‌تصویرکشیدنش به‌مراتب کار دشوارتری است؛ چراکه در زمان نوشتن، نویسنده با ابزار کلمه و واژه که بسیاری از آن را در ذهن دارد، می‌تواند توصیف‌های فراوانی به کار ببرد و برای توضیح اثرش سلاح بسیار برنده‌ای دارد و زمانی که این قصه به تصویر می‌رسد، همه چیز متفاوت می‌شود. به‌ویژه برای ساخت نخستین اثر سینمایی که ریسک بسیار بزرگی محسوب می‌شود و ناصر تقوایی به زیبایی از پس آن برآمده است و حتما یکی از مشکلاتی که منتج به توقیف بلندمدت فیلم شد، این موضوع است که این میزان ارائه و نمایش تلخی و یأس در آن زمان قابل تحمل نبود. تصویر نوعی فضای روشنفکری و نمایش جامعه شهری که آن زمان دچار بحران شده و حالا یک خانواده کوچک چهارنفره نیز در حال فروپاشی است. نشان‌دادن این موارد فارغ از اینکه بپردازیم به اینکه چقدر واقعیت دارد یا خیر؟ که موضوع بحث ما نیست، موفقیت اقتباس از یک اثر را به رخ می‌کشد. به نظر من ناصر تقوایی در چنین اقتباسی بسیار درخشان ظاهر شد. هرچند «آرامش در حضور دیگران» خالی از ایراد نیست و حتما در سن آقای تقوایی که آن زمان جوان بودند و تجربه نخست‌شان بوده، ساخت چنین اثری تحسین برانگیز است و در نوع خودش بسیار اثر موفق و بدیعی است.

ساخت چنین فیلمی به‌عنوان تجربه نخست فیلم‌ساز به خودی خود ریسک بالایی داشت و بعدتر توقیف طولانی‌مدت فیلم عملا امکان دیده‌شدن گسترده‌تر فیلم را از آن گرفت. شما این تجربه را در بین تجربه‌های ناصر تقوایی چطور ارزیابی می‌کنید؟

به گمان من ناصر تقوایی با ساخت «آرامش در حضور دیگران» نخستین گام را در تمرین منزوی‌شدنش برداشت. بعدتر دیدیم که تقوایی اساسا آدمی نبود که با سیستمی که در آن زندگی می‌کند، همخوان شود. چه پیش از انقلاب و چه بعدتر رفتارش به گونه‌ای است که به هر چیز تن نمی‌دهد. قصد ندارم درباره درستی یا نادرستی این رفتار صحبت کنم. از این تحلیل به نکته‌ای اشاره می‌کنم که شاید نخستین گامش را محکم برداشت و نوعی آماده‌سازی و تمرین برای گام‌های بعدی‌اش بود. برای ما مخاطبانش البته با کمال تأسف نتیجه این بود که از دیدن آثار بیشتر او محروم شویم. مگر چند فیلم‌ساز با توانایی ناصر تقوایی در شخصیت‌پردازی، دیالوگ‌نویسی، کارگردانی و بازی‌گرفتن از بازیگران داریم؟ به‌هرحال از ویژگی‌های شخصیتی او تک‌روی و گوشه‌نشینی است که متأسفانه به مرور کم‌کارتر شدند. همان‌طورکه گفتم نتیجه این انتخاب برای ما مخاطبانش خوب نبود و نتیجه‌اش این شد که از چنین کارگردانی آثار محدودی را ببینیم. حتما که تمایل قلبی ناصر تقوایی این نبوده اما متأسفانه یکی از ویژگی‌های یک انسان به تمامی روشنفکر همین است که به همه قوانین و محدودیت‌هایی که یک نظام فرهنگی برایش ایجاد می‌کند، تن ندهد.

ناصر تقوایی ازجمله کارگردان‌هایی است که می‌توان سراغ قهرمان‌های بی‌بدیلی را در آثارش گرفت و این یکی از وجوه بارز کارهای او است. پاسخ به این پرسش کمی فراتر از ساخته نخست او «آرامش در حضور دیگران» است. شخصیت‌پردازی و البته قهرمان‌محوربودن اندک آثاری که او در سینما ساخت را چطور می‌بینید؟

ناصر تقوایی در شخصیت‌پردازی در ساخت قهرمان و ضدقهرمان و انواع و اقسام قهرمان‌های فرعی و در دیالوگ‌نویسی که البته زیرشاخه‌ای است از مجموعه شخصیت‌پردازی، کم‌نظیر است و چنان این کار را با مهارت انجام می‌دهد که ما به‌عنوان مخاطب شخصیت‌هایی را که خلق می‌کند با دل و جان باور می‌کنیم و با آنها همسو می‌شویم. با درنظرگرفتن اینکه این شخصیت مثبت است یا منفی به آنها حق می‌دهیم یا نمی‌دهیم. به نظرم یکی از مواردی است که ما باید همیشه به آن توجه کنیم یا حداقل از آن الگو بگیریم. او معلم کم‌نظیری است. او این الگوها را آموزش داد. یکی از مشکلات اصلی ما در نگارش فیلم‌نامه و ساخت فیلم چگونگی پرداخت شخصیت است که واقعا نمی‌توان از آن به‌راحتی گذشت. ساخت هر شخصیت مثل ساختن یک ساختمان است. نمونه درخشانش سریال «دایی‌جان ناپلئون» است که درست اقتباس شده و استادانه تبدیل به فیلم‌نامه شده است. باید در نظر گرفت نمایشی‌کردن این قصه بسیار کار دشواری است و بسیار هنرمندانه و کم‌نظیر انجام شده است. نشانه و دلیلش هم این است که هر زمان این سریال را می‌توانید تماشا کنید و چیزی از تازگی و از لذتی که به مخاطب می‌دهد کم نمی‌کند.

شاید ناصر تقوایی را می‌توان از معدود کارگردان‌های سینمای ایران دانست که ساخته‌هایش مخاطبانی با سلیقه‌ای خاص‌تر را راضی می‌کند و هم می‌تواند سال‌ها پس از ساخت «دایی‌جان ناپلئون» با فاصله بسیار همچنان محبوب‌ترین سریال مخاطبانی با هر سلیقه باشد و از این جهت حسرت آثاری را داشت که توسط او ساخته نشد. کمی درباره فرازونشیب کارنامه او صحبت کنیم؟

خوشبختانه درمورد کارنامه آقای تقوایی نمی‌توان از فرازونشیب به معنای اینکه افت و خیزی در کیفیت آثارشان وجود داشته، استفاده کرد. می‌توان گفت آثارش با گذر زمان و با تجربه بیشتر شاید پخته‌تر و حرفه‌ای‌تر شدند. نمی‌توان گفت آثار اولیه او کاستی جدی و قابل‌توجهی داشته. در اینکه مخاطب خاص‌تر داشته کاملا موافق هستم. طبیعتا مخاطب آثار تقوایی مخاطب جدی‌تر سینماست. جزئیاتی که با دقت و مهارت در آثارش رعایت شده، مخاطبی را که به دنبال همین جزئیات می‌گردد، غافلگیر می‌کند که شاید برای تماشاگر عادی مسئله نباشد. پیگیری یک خط داستانی از اول تا آخر، چیزی که هدف تماشای اثری برای یک تماشاگر معمول و در جست‌وجوی سرگرمی باشد، درمورد تماشاگران آثار آقای تقوایی مصداق ندارد. اما همچنان معتقدم خوشبختانه یکدستی در آثار تقوایی وجود دارد و فرازونشیبی در آن نمی‌بینم. خوشحالم از این بابت و متأسفم برای خودمان که محروم شدیم از دیدن آثار بیشتر او.

در پایان صحبت بار دیگر به فیلم «آرامش در حضور دیگران» برگردیم، این فیلم در کنار تمام ویژگی‌هایش تصویری درخور از زمانه‌اش ارائه می‌کند که همچنان تماشایی است. بعد از سال‌ها تماشای دوباره این فیلم چه ویژگی‌هایی از این کارگردان در ذهن‌تان پررنگ‌تر می‌شود؟

آقای تقوایی یک وجه جدی‌اش نویسندگی است و داستان‌نویس قهاری است. اگرچه خیلی زیاد نمی‌نویسد و تعداد آثار زیادی ندارد اما کیفیت همان آثار قابل تأمل است. همین نگاه باعث شد که به سراغ اثر جدی و بسیار زیبای مرحوم ساعدی برود و دغدغه‌مندی او برای اقتباس از آثار ادبی برای ساخت اثری سینمایی بسیار مهم و کلیدی است. این نیاز مهمی برای سینمای ماست. شاید برای تعداد قابل‌توجهی از کارگردان‌های ما نکته مهم و دغدغه اصلی این است که خودشان نویسنده آثارشان باشند، من فکر می‌کنم ما آن‌قدر کمبود متن و ایده نو داریم و آثار قابل‌توجه در ادبیات داستانی‌مان وجود دارد که می‌تواند نیاز بسیاری را مرتفع کند، نیاز کسانی را که مهارت کافی در اقتباس از یک اثر داستانی را دارند. نکته مهم این است که مجموعه و منابع مهم و ارزشمند ادبیات داستانی ما درست شناخته، خوانده و معرفی شود که بتوان از آن اقتباس کرد و تعداد این منابع هم کم نیستند. خوشبختانه در این میان منابع غنی از آثار ادبی داریم که قابلیت تبدیل‌شدن به اثری تصویری را دارد و هنوز به آنها پرداخته نشده و اگر درست دیده شوند و به جوان‌هایی که در حال آموزش هستند ارائه شود، فیلم‌نامه‌های پربار و درخشانی خواهیم داشت البته با کمک استادانی مثل آقای تقوایی که شیوه اقتباس را درست آموزش بدهند.

نکته

اینکه آقای تقوایی برای نخستین فیلم داستانی‌اش به سراغ ادبیات داستانی می‌رود، قطعا نکته تأمل‌برانگیزی است و از جهاتی بسیار قابل تقدیر

هنر، پناهگاه هنرمند است

حسین گنجی

«تابلوهای نقاشی باید در گلو گیر کنند» نمی‌دانم وقتی در گوشه‌ای از مانیفست ابزار نقاشان به سال ۱۹۸۵، گئورگ بازلیتس این گزاره را نوشت، کدام آثار را در ذهن خود مرور کرده است. اما آنچه در ادامه، از متن مانیفست او بر می‌آید این است که هر اثری که به عمق سوژه نپرداخته باشد و در سطحی از رئالیسم گرفتار مانده باشد، از این در گلوماندگی فاصله بسیاری خواهد داشت. او با طرح پرسشی که آیا نقاشان هنوز همان نقاشانی هستند که غارهای عظیم را نقاشی می‌کنند؟ آیا بوفالو را به منزله گرسنگی، عقاب را به منزله آزادی، و زنی را به منزله عشق بر دیوار نقاشی می‌کنند؟

او با طرح چنین پرسش‌هایی نه تنها نقاش را در قامت اول قصه‌گوی جهان، کسی که صاحب روایت است، قرار می‌دهد، جایی که هنوز کلمات و زبان برای روایت خلق نشده بود، بلکه ما را به طلب‌خواهی چیزی فراتر از نشانه‌های روان در نقاشی، چه به عنوان نقاش و خالق اثر و چه به عنوان مخاطب فرا می‌خواند. او از نقاشی چیزی فراتر از آنچه یاد گرفته و ابزاری که در استفاده از آن توانمند شده فرا می‌خواند. روایت پشت آنچه صراحت دارد، روایت چیزی که جسمیتی ندارد و می‌توان بدان تصور و تصویر بخشید.

در این مقام نقاش قصه‌گویی است که راز این جهان را باید پیدا کند. «رازی که درون ابژه پنهان مانده است».

قصه‌ها در پس آنچه ما می‌بینیم و بر ما می‌گذرد، رخنه دارند که از پس هیچ کس جز نقاش بر نمی‌آید که آنها را در انبوهی از رنگ و بی‌رنگی روایت کند.

هنرمند بار سنت تجسم و امر بصری یا تجسمی را در طول تاریخ به دوش کشیده است و در این میان عده بسیار کمی، روند ادارک بصری را به عمیق‌ترین معنایش ادامه داده‌اند و الهامات خود را به تجارب تصویری بدل کرده‌اند. تجاربی که گاهی از پس زندگی روزمره و شخصی آنها بیرون آمده است و گاهی نه، از خیالات آنها زاده شده‌اند. خیالاتی که تنها یک نقاش می‌تواند به آنها تجسم بخشد و به نوعی حیات آنها و قصه آنها را زنده برای مخاطب اثرش که می‌تواند یکی از آن مخاطبان خودش باشد، بازگو کند.

شبنم شعبانی در یک دهه گذشته با خلق آثاری که برآمده از ذهن و شکل زندگی اوست، توانسته تصویری فراتر از تصویر ملموس روزگار خودش و زمانه ما به دست مخاطب برساند. آنچه در آثار او دیده می‌شود فراتر از چیزی است که به قاب نشسته است. در تابلوهای او روایت مستحکمی وجود دارد که همان‌طور که بازلیتس می‌گوید فراتر از تصویر زنی در چمن‌زار است. او در این سری از آثارش توانسته قصه شخصی خودش را به قلم‌موی توانمندش چونان نویسنده‌ای، فرای جنسیت در یک جامعه، فرای خشونت‌های معمولش، به دست خواننده بدهد. در کارهای او خط افق نقش کلیدی را بازی می‌کند و همیشه آثار از سمت پایین که نماد امروز ماست، شلوغ و پرهیاهو و پرغفلت آغاز می‌شوند و به سمت بالا که نماد دیروز یا حتی فردای ما می‌تواند باشد، خلوت و خلوت‌تر شده و به پایان می‌رسند. معمول است که فضای ترس و اندوه و روایت‌های تلخ با رنگ‌های تیره به ترسیم در می‌آیند و شعبانی با بهره‌گیری از رنگ‌های روشن و شاد، توانسته یک روایت بازلیتسی متفاوت ارائه دهد از آنچه او در زمانه‌اش با آن دست و پنجه نرم می‌کند.

قصه تصویری او همچون هر قصه دیگری نقاط عطف و خط سیری دارد. آنجا که مادر به قاب می‌آید روایت به نقطه اوج خود می‌رسد و آنجا که خودنگاری او در یک جنگل تصویر می‌شود، روایت مسلط زندگی او جلوه می‌کند و آنجا که قاب‌هایش از انسان خالی می‌شوند، جنگل همه چیز و همه جا را در خود غرق کرده، ترس او از جهان پیش‌روست که احاطه یافته است.

«نقاشی، یک برانگیزاننده است، عمل سحر و جادوست» که از راه ترکیب رنگ و خط اثرش را می‌گذارد و اصول زندگی مخصوص به خود را دارد که هیچ جا نمی‌توان آن را یافت مگر در روح هنرمند.

شارل بودلر در کتاب نقاش زندگی مدرن با چنین گزاره‌ای ما را به شناخت بهتر نقاشی‌های در زمانه مدرن رهنمون می‌کند. در روزگاری که نقاشی مدرن بود و جامعه پیشامدرن، درک نقاشی شاید سخت‌تر از امروز بود. امروز ما خود بخشی از نقاشی‌های مدرن هنرمندان امروز را داریم زندگی می‌کنیم. جایی که هیچ کس جز خودمان بدان راه ندارد و نقاشی هم با رؤیاپردازی بدان راه پیدا می‌کند. نقاشی این موهبت و فرصت را به دست نقاش می‌دهد تا آنچه در ذهن خود است به بوم دعوت کند. جایی که دیگر برای همه قابل رؤیت و خوانش و لذت تماشا یا درک معناست.

با توجه به آنچه گفته شد و نگاهی به کارهای شعبانی در دو نمایشگاه اخیرش، باید اذعان کرد قصه و روایت همان‌طور که گفته شد، یکی از بن‌مایه‌های شکل‌گیری اثر هنری است. اثری می‌تواند حرف بزند و به اصطلاح معروف زبان دارد که روایت و قصه‌ای در خود گذاشته است.

نکته دیگر که به پیوست قصه به قاب باید بیاید، درونی‌بودن و شخصی‌بودن این روایت است. هر چقدر روایتی که یک اثر از خود بیان می‌کند شخصی و درونی باشد، یا بهتر بگویم از آن خود هنرمند باشد، قابلیت استقبال و شنیده‌شدن بیشتری خواهد یافت.

در آثار او جنگل، رنگ، افق، نور، فیگور همه در خدمت روایت شخصی او یا بهتر بگویم رؤیاها و خیال‌های اوست. خیال‌هایی که گویی از ترس‌ها و نیازها و حسرت‌های او سرچشمه می‌گیرند.

شعبانی با استعدادی که در بهره‌گیری از رنگ‌ها دارد و توان و جسارتی که در خلق قاب‌های بزرگ از خود نشان داده است، می‌تواند در آینده حرف‌های بیشتری برای بیان داشته باشد.

او با عبور از تصویرسازی‌های ساده و بی‌معنی از طبیعت به خیال خود میدان داده است و به قول بودلر به جای بازنمایی چیزی که هست و ملال‌آور و بی‌فایده و زشت است، به هیولاهای خیالی خود پناه برده است. جایی که جهان دیگری چه از منظر معنا و چه از منظر تازگی و بکربودن، در حال زندگی است. کمااینکه خارج از آنچه در نهایت از اثر هنری دیده یا شنیده می‌شود، این خود هنرمند است که از آنچه خلق می‌کند رضایت داشته باشد و خود را در آن ببیند، آرام‌تر، زنده‌تر، نجات‌یافته‌تر. هنر در نهایت آنچه بازخورد بگیرد یا نگیرد، پناهگاه بی‌بدیل هنرمند است و او با خلق خود را از چنگال جامعه نجات می‌بخشد و در امان می‌دارد.

زیر آسمان فیروزه‌ای

اهدای شیر طلایی افتخاری ونیز به جیمی لی‌کرتیس

● در دوره جدید جشنواره فیلم ونیز با اهدای شیر طلایی افتخاری از یک عمر دستاورد هنری جیمی لی‌کرتیس بازیگر آمریکایی سینما تقدیر خواهد شد.

جشنواره فیلم ونیز از دهم تا بیستم شهریور (یکم تا یازدهم سپتامبر) برگزار و شیر طلایی افتخاری در هشتمین روز جشنواره (۱۷ شهریور) به جیمی لی‌کرتیس اهدا خواهد شد.

در این دوره از جشنواره فیلم جدید «هالووین می‌کشد» با بازی کرتیس برای نخستین بار روی پرده خواهد رفت. این فیلم قرار است از پانزدهم اکتبر در آمریکا اکران شود.

او در واکنش به دریافت این جایزه گفته است: «گرچه ناممکن به نظر می‌رسید که آن‌قدر در این حرفه دوام بیاورم که جایزه یک عمر دستاورد هنری بگیرم اما این اتفاق افتاد و همراه‌شدنش با نمایش فیلم «هالووین می‌کشد» معنایی دوچندان پیدا کرده است».

کورتیس سال ۱۹۷۸ با فیلم ترسناک «هالووین» کار حرفه‌ای خود را شروع کرد و پس از آن در فیلم‌های بسیاری چون «ویروس»، «ماهی‌ای به نام وندا»، «خیاط پاناما» و «فولاد آبی» بازی کرده است.

روایتی متفاوت از زنان دریانورد

● تدوین فیلم مستند «از سروستان تا اقیانوس» به کارگردانی تینا میرکریمی از نیمه گذشت.

این فیلم روایتگر زندگی راحله طهماسبی سروستانی نخستین بانوی دریانوردی است که درجه افسری کشتی‌های زیر سه هزار تن را کسب کرده و در سال ۱۳۹۶ به‌عنوان دریانورد نمونه استان هرمزگان انتخاب و مورد تقدیر قرار گرفته است.

فیلم‌برداری این فیلم توسط علیرضا اسلامی و شاپور شیلاندری انجام شده و محدثه گلچین عارفی تدوین این فیلم را که برای حضور در پانزدهمین جشنواره سینما حقیقت آماده می‌شود، عهده‌دار است. هم‌اکنون ۳۴۷ بانوی دریانورد در ایران فعال هستند که در بخش‌های مختلف مانند ملوان صیاد، ملوان عمومی و ملوان عرشه در بخش شناورهای مسافری فعالیت می‌کنند و تعداد اندکی از این افراد هم در رده افسری مشغول به فعالیت‌اند.

این فیلم نخستین فیلمی است که در راستای معرفی تلاش‌های بانوان در حرفه دریانوردی ساخته شده است.

راه فیلم‌های خارجی هموارتر شد

● **ایسنا:** انجمن مطبوعات خارجی هالیوود با توجه به مشکلاتی که سال پیش برای فیلم «میناری» ایجاد شد، تغییراتی در مقرراتش ایجاد کرده که راه رسیدن به جایزه را برای فیلم‌های غیرانگلیسی‌زبان هموارتر می‌کند و به آنها اجازه می‌دهد تا به جوایز اصلی دست پیدا کنند. بر مبنای این تغییرات فیلم‌های خارجی‌زبان نیز می‌توانند در بخش بهترین فیلم‌های درام یا موزیکال و کمدی به رقابت بپردازند و درعین‌حال فیلم‌های انیمیشن نیز این مجوز را به دست می‌آورند. در دوره پیش «میناری» که در گلدن‌گلوب تنها توانست در بخش فیلم خارجی‌زبان رقابت کند، در اسکار هم به مقوله بهترین فیلم راه یافت و هم جایزه بهترین بازیگر زن را برای بازی یو چونگ یون برد. همین مشکل سال پیش‌تر برای فیلم «وداع» ایجاد شده بود. علی سار، رئیس گلدن‌گلوب دراین‌باره تاکید کرد: زبان دیگر نمی‌تواند به‌عنوان مانعی برای بهترین‌بودن محسوب شود. گلدن‌گلوب همچنین اعلام کرد منشور اخلاقی منع پذیرش هدایا و سایر تشویق‌ها را تصویب کرده است. با وجود همه این حرف‌ها هنوز زود است که بتوان گفت روابط هالیوود با انجمن مطبوعات خارجی ترمیم شده و آنهایی که همکاری با گلدن‌گلوب را تحریم کرده بودند، مانند آمازون‌استودیوز و نتفلیکس دوباره از چه زمانی با این انجمن همکاری خواهند کرد.

اولین حضور جهانی «ماسک» در بخش اصلی جشنواره لوکارنو

● فیلم کوتاه «ماسک» به نویسندگی و کارگردانی نوا رضوانی، تنها نماینده سینمای ایران در بخش مسابقه هفتادوچهارمین دوره جشنواره فیلم لوکارنو ۲۰۲۱ نمایش داده خواهد شد. در خلاصه داستان فیلم آمده است: «دختری برخلاف میلش و به خاطر دوست پسرش کاری را انجام می‌دهد که درنهایت شرایط جدیدی را برایش رقم می‌زند». سایر عوامل فیلم عبارت‌اند از بازیگران: کتایون سالکی، هومان محمدحسینی، مدیر فیلم‌برداری: بهروز بادروج، تدوین: امید عبداللهی، طراح صحنه و لباس: نوا رضوانی، صدابردار: سامان شهامت، طراح صدا: احسان افشاریان، طراح گریم: عظیم فراین، عکاس: محمد کشوری، اصلاح رنگ و نور: نیما دبیرزاده و طراح پوستر: مجید کاشانی (استودیو دفتر)، تهیه‌کننده: نوا رضوانی و تهیه‌شده در انجمن سینمای جوان تهران. جشنواره لوکارنو که از سال ۱۹۴۶ هرساله در شهر لوکارنوی سوئیس برگزار می‌شود، جزء چهار جشنواره معتبر فیلم اروپا محسوب می‌شود و امسال هفتادوچهارمین دوره خود را برگزار می‌کند. بخش اصلی فیلم کوتاه جشنواره فیلم لوکارنو «پاردی دی دومانی» نام دارد که امسال از چهارم تا چهاردهم آگوست برابر با ۱۳ تا ۲۳ مرداد در شهر لوکارنو برگزار می‌شود. «ماسک» در سی‌ونهمین جشنواره فیلم فجر نامزد دریافت سیمرغ بلورین نیز بود.